

بررسی مشکلات رفتاری دانش‌آموزان در مدارس: مؤلفه‌ها و ارائه راهکارهای مقابله با آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

کد مقاله: ۷۷۹۷۴

افتخار قاسم زاده^۱، حسین عباسیان^۲، یونس محمودی^۳

چکیده

مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان یک مقوله اجتماعی است که به شکلی گسترده از سوی جامعه‌شناسان مورد مطالعه قرار گرفته است. مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان می‌تواند به اختلالات یادگیری برای دانش‌آموزان و مشکلات و آسیب‌های جدی برای خانواده‌ها، مدرسه و جامعه بینجامد. مقاله حاضر با هدف شناخت، بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر مشکلات رفتاری دانش‌آموزان در مدارس با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای به این موضوع پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رسیدن به اهداف آموزشی که مدارس به‌عنوان هدف اساسی خود به آن‌ها توجه دارند، مستلزم تأمین بهداشت روانی و رفتاری دانش‌آموزان است. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که سلامت رفتاری دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی آن‌ها ارتباط دارد و دانش‌آموزانی که به نحوی از مشکلات رفتاری یا از نبود بهداشت روانی مناسب رنج می‌برند، اغلب با افت تحصیلی مواجه هستند؛ بنابراین ضروری به نظر می‌رسد جهت تأمین شرایط مناسب برای نیل به اهداف آموزشی، تربیتی و تضمین سلامت افراد جامعه در سنین مختلف، عوامل بازدارنده آن را مورد بررسی قرار داد. در همین راستا مشکلات رفتاری دانش‌آموزان در مدارس که عبارت‌اند از مدرسه‌هراسی، مدرسه‌گریزی، اختلال لجبازی و نافرمانی، بی‌نظمی در سلوک، اضطراب، بیش‌فعالی همراه با کمبود توجه و رفتارهای نامناسب یا ناپخته می‌باشد، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مشکلات رفتاری، اختلالات رفتاری، دانش‌آموزان، مؤلفه‌ها و ارائه راهکارهای مقابله با مشکلات رفتاری.

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و معلم وظیفه آموزش و پرورش شهرستان خداآفرین. (نویسنده مسئول). eftekhargasemzadeh@gmail.com

۲- مدیر آموزگار آموزش و پرورش شهرستان خداآفرین. hosein_brahim2@yahoo.com

۳- دبیر مدارس عشایری آموزش و پرورش عشایری شهرستان کلپیر. younesmahmodi33@gmail.com

۱- مقدمه

مدارس نقش مهمی در شکل‌گیری ارزش‌ها، هنجارها و فرصت‌های اجتماعی افراد دارند. کودکان اولین تعاملات خود را در سیستم آموزشی در حدود پنج یا شش‌سالگی برقرار می‌کنند و معمولاً تا هجده‌سالگی ارتباطشان را با مدرسه حفظ می‌کنند، در نتیجه جوانان تقریباً ۱۳ سال از زندگی خود را در سیستم آموزشی صرف می‌کنند به عبارتی این مقدار از زمان را در ساختار تحصیلی و به دور از خانواده‌شان سپری می‌کنند و مؤسسات آموزشی ابزار اولیه اجتماعی شدن جوانان می‌شود. مدارس هم مسئول آموزش اطلاعات و روش‌ها و هم مسئول ایجاد هنجارها و ارزش‌های جامعه محسوب می‌شود. در جامعه امروزی مدارس با موضوعات پیچیده که تأثیر انکارناپذیری بر کارکرد آن‌ها دارد روبرو هستند. از مدارس انتظار می‌رود که جوانان را با محیط یادگیری سالمی مواجه کنند که بتوانند در آن به سطح مطلوبی از دانش دست یابند و افراد مولد در جامعه باشند. با آگاهی از وقایع و نارسایی‌هایی که در مدارس دیده می‌شود نگرانی‌های عموم از جو مدارس افزایش میابد (نقل از رضایی شریف و همکاران، ۱۳۹۰).

هر جامعه‌ای برای پیشرفت و رشد در ابعاد مختلف اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی و... نیاز به افرادی دارد که از نظر روانی و جسمانی سالم باشند. با توجه به اینکه نوجوانان امروز، صاحبان بلافاصل آینده جامعه هستند، سلامتی و بیماری آنان در سلامتی و بیماری جامعه فردا و نسل‌های آینده اثراتی قابل توجه خواهد داشت؛ بنابراین، لازم است به سلامت روانی-جسمانی این قشر عظیم بیشتر توجه شود و گام‌هایی اساسی در جهت پیشگیری و درمان بیماری‌ها و اختلالات روانی و رفتاری آنان برداشته شود.

یکی از مشکلات عمده مدارس ما کمک نکردن به دانش‌آموزان مشکل‌دار است. متأسفانه مدارس به جای آنکه آماده کمک به کسانی که عقب افتادگی یا مشکل ناسازگاری دارند بیشتر آن‌ها را از خود دور می‌سازند؛ و حالت دفعی از خود نشان می‌دهند. اغلب مدارس به دنبال دانش‌آموزان قوی و با نمره بالا هستند و بیشتر مواقع به تشویق و تکریم آن‌ها می‌پردازند. در مقابل دانش‌آموزان به ظاهر ضعیف مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و به‌طور ناخواسته آن‌ها را رها و سرکوب می‌کنند (میر کمالی، ۱۳۷۹: ۷۴).

اختلالات رفتاری همواره از علل و عوامل مختل زندگی عادی بشر محسوب می‌شود؛ و موجبات رنج و زحمت والدین و اطرافیان را فراهم می‌سازد و فردی که اختلال رفتاری دارد هم خود را عذاب می‌دهد و هم دیگران را به زحمت می‌اندازد و گاهی این رفتار به حدی شدید است که موجب رنج و عذاب افراد عادی کوچک و خیابان نیز می‌گردد؛ و گاه افراد را از راه تحصیل و ادامه آن نیز باز می‌دارد؛ و به کارهایی مانند اعتیاد-بد دهنی و انحرافات دیگر اخلاقی مبتلا می‌گرداند (حمزه گنجی، ۱۳۸۷: ۵۲).

لذا بر ما خدمتکاران امر آموزش و پرورش یک تکلیف است که با استفاده از منابع گوناگون و شیوه‌های صحیح نسل جوان و سرمایه‌های کشور را هدایت کنیم.

۲- مشکلات رفتاری دانش‌آموزان

۲-۱- ترس از مدرسه

ترس از مدرسه یکی از اختلال‌های روانی شایع در دوران مدرسه است که در کودکان دبستانی بیشتر دیده می‌شود که به اعتقاد کارشناسان نباید از کنار این موضوع مهم به سادگی گذشت. بدین معنی که بچه‌هایی هستند که به دلایل غیر موجه و بی‌دلیل از رفتن به مدرسه امتناع می‌ورزند و اگر بزرگ‌تران اصرار نمایند بعید نیست از وحشت به حال غش‌ضعف بیفتند؛ این نوع ترس که یک پدیده روانی اجتماعی در زندگی کودکان است که به ویژه در ابتدای ورود به مدرسه نمود می‌یابد و به لحاظ آثار سوء بالقوه‌ای که در رفتار کودک دارد از دیگر ترس‌های دوران کودکی مهم‌تر است.

کودکانی که دچار این مشکل هستند، دارای ترس افراطی، غیرمنطقی و پایدار نسبت به مدرسه رفتن هستند و هنگام جدایی از والدین و رفتن به مدرسه به شدت در مقابل ترک خانه مقاومت می‌کنند. ترس مفرط از مدرسه معمولاً برای اولین بار در دوره پیش‌دبستانی، کودکستان یا کلاس اول ظاهر می‌شود و در کلاس دوم به اوج می‌رسد، با این حال خودداری از مدرسه رفتن، می‌تواند در هر سنی رخ دهد. دختران و پسران تقریباً به یک میزان ترس از مدرسه را از خود نشان می‌دهند.

۲-۱-۱- علائم ترس از مدرسه

بسیاری از والدین به دلیل عدم آگاهی از علائم مدرسه‌هراسی در کودک خود، این مشکل را نادیده می‌گیرند. این رفتار می‌تواند منجر به افزایش علائم استرس در کودک شود. در ادامه به مهم‌ترین علائم ترس از مدرسه اشاره می‌کنیم.

الف) علائم رفتاری ترس از مدرسه

امتناع و بهانه‌تراشی هنگام رفتن به مدرسه و مقاومت در برابر اصرار والدین. این کودکان معمولاً تلاش می‌کنند والدین خود را قانع کنند تا اجازه دهند خانه بمانند.

چسبندگی به پدر و مادر و یا امتناع از جدا شدن از آن‌ها، دروغ‌گویی، فرار و یا پنهان شدن برای اجتناب از رفتن به مدرسه. بسیاری از کودکان در این شرایط تظاهر به بیماری می‌کنند.

پیشانی، قشقرق و دچار شدن به ترس و اضطراب زیاد هنگام جدایی از والدین. این مسئله می‌تواند نشان دهنده وجود اختلال اضطراب جدایی در کودک باشد.

درخواست مکرر برای تماس به منزل در ساعات مدرسه.

مشکل شدید بلند شدن از تخت خواب هنگام صبح.

امتناع از درگیری در فعالیتهای گروهی با همسالان در مدرسه.

ب) علائم جسمانی ترس از مدرسه

اختلالات جسمانی به صورت دل‌درد، سردرد، استفراغ، سرگیجه، خشکی دهان، تپش قلب، اسهال و ضعف ظاهر می‌شود. این علائم به نظر کاملاً واقعی می‌رسند اما نتیجه سطح بالای اضطرابی است که کودک تجربه می‌کند. غالباً علائم مذکور در روزهای تعطیل از بین می‌رود. همچنین اگر پدر و مادر یا پزشک توصیه کنند که کودک چند روزی در منزل بماند، بلافاصله علائم بیماری از بین می‌رود، ولی در روز قبل از رفتن به مدرسه یا همان روز علائم جسمانی مجدداً ظاهر می‌شوند.

ج) علائم روانی ترس از مدرسه

کودکان مبتلا به ترس از مدرسه غالباً علاوه بر واکنش ترس، علائم و مشکلات روانی دیگری نیز از خود نشان می‌دهند. شایع‌ترین این علائم عبارت‌اند از: اختلال در خواب، افزایش عصبانیت و پرخاشگری، جویدن ناخن، شب ادراری، لکنت زبان و ترس از تاریکی.

۲-۱-۲- علل مدرسه هراسی

ترس از مدرسه (مدرسه هراسی) می‌تواند ریشه‌های محیطی، خانوادگی یا فردی داشته باشد. یکی از عوامل اصلی در پیدایی این ترس اختلال اضطراب جدایی است. در حقیقت بسیاری از کودکان به این دلیل از مدرسه رفتن می‌ترسند که توانایی جدا شدن از والدین خود را ندارند.

برخی از کودکان نیز به خاطر این که نگران مسخره شدن یا زیر ذره‌بین بودن از سوی دیگران هستند، از مدرسه رفتن امتناع می‌کنند. این گروه کودکان عموماً در مورد ارزیابی شدن و مورد قضاوت قرار گرفتن نگرانی شدید دارند. همچنین این احتمال هست که محیط مدرسه برای کودک ناخوشایند باشد. حل نشدن این ترس‌ها می‌تواند به تدریج اختلال فوبیای اجتماعی را شکل دهد. معمولاً کودکان مشکلات با همسالانشان را برای پدر و مادر بازگو نمی‌کنند چون این کار را نشانه ضعف و ناتوانی خود می‌دانند. گاهی ترس کودکان از مدرسه ناشی از بدرفتاری‌های همسالان یا اولیای مدرسه با آن‌ها است. برخی از معلمان و کارکنان مدرسه با کودکان رفتار سخت‌گیرانه دارند یا به تنبیه کودکان می‌پردازند.

۲-۱-۳- راهکارهای مقابله با مدرسه هراسی در کودکان

برای درمان و کاهش مدرسه هراسی در اینجا به برخی از راهکارها اشاره می‌کنیم:

- ✓ اجتناب از تنبیه شدید یا قضاوت و برچسب زدن منفی به کودک به خاطر عملکرد منفی در مدرسه.
- ✓ صحبت کردن در مورد ترس کودک از مدرسه، همدلی با احساس او و تلاش برای فهم دلایل اصلی ترس و اضطراب از طریق گفتگو.
- ✓ کمک گرفتن تخصصی از مشاوران روانشناس برای حل مسائل فردی و خانوادگی که باعث تشدید مشکل شده مثل وابستگی شدید والدین-کودک و اضطراب جدایی.
- ✓ ارزیابی و شناسایی مشکلات احتمالی در مدرسه مثل بدرفتاری، مشکلات ارتباط با همسالان، قلدری و تشویق کودک برای صحبت در مورد آن‌ها.
- ✓ تشویق و پاداش دادن برای رفتن به‌موقع به مدرسه و انجام فعالیت‌ها و تکالیف مربوط به مدرسه.
- ✓ کمک به توانمند کردن کودک برای افزایش اعتماد به نفس، بهبود مهارت‌های ارتباطی، تشویق او و ایجاد فضاهایی برای ارتباط بیشتر با همسالان و تقویت و تشویق برای تعامل و فعالیتهای گروهی.
- ✓ شناسایی یک معلم یا بزرگسال مورد اعتماد برای ارتباط نزدیک با کودک.

۲-۲- فرار از مدرسه

یکی دیگر از مسائل و مشکلاتی که در ابعاد آموزشی و تربیتی در مدارس گریبان گیر نظام آموزشی جوامع است، مدرسه‌گریزی یا فرار از مدرسه می‌باشد. اصطلاح پرسه زنی^۱ به اجتناب عمدی از حضور در مدارس گفته می‌شود. معمولاً دو الگو شایع است، بچه خانه را ترک می‌کند اما به مدرسه نمی‌رود، بلکه تمام روز را در شهر به تنهایی یا به همراه سایر مدرسه‌گریزها به پرسه زنی سپری می‌سازد. در نوع دوم کودک، بخشی از روز را در مدرسه گذرانده و در فرصتی مناسب، تنها یا با بچه‌های دیگر از مدرسه

¹ Truancy

در می‌رود، این رفتار معمولاً در سال‌های میانه کودکی شروع شده و در نوجوانی به صورت مسئله‌ای عمده در می‌آید (مقدسی، ۱۳۸۴: ۲).

۲-۱-۲- علل فرار از مدرسه

ترس و دلهره از عدم توانایی انجام تکالیف، مواجه شدن با چهره آموزگار جدید، آشنا شدن با دوستان و همکلاسی‌های جدید و ... مواردی هستند که همواره ذهن بعضی از دانش‌آموزان را به خود مشغول می‌کند.

این گونه معضل به مرور زمان و پس از سپری شدن هفته‌های اول سال تحصیلی، برطرف می‌شوند و به این ترتیب جای نگرانی از این بابت وجود نخواهد داشت، اما عده‌ای دیگر از دانش‌آموزان آن قدر از درس و مدرسه متنفر و بیزارند که این گونه کودکان هم برای خود و هم برای والدین و مربیان‌شان مشکل آفرین بوده و شناخت علل و انگیزه‌های این رفتار بسیار لازم و ضروری است. برای ریشه‌یابی رفتارهای چنین کودکانی باید علل مختلفی را که باعث پدید آمدن این دسته از اختلافات رفتاری می‌شوند، مورد بررسی قرار داد که عبارت‌اند از:

خانواده‌های از هم گسیخته:

مشاجرات لفظی، نزاع و کشمکش، عدم تفاهم اخلاقی و عقیدتی، طلاق و متارکه، فوت یکی از والدین و... از جمله عواملی هستند که می‌توانند باعث از هم پاشیدگی نظام خانواده شوند. در این قبیل خانواده‌ها، هرج و مرج و بی‌نظمی به وضوح مشاهده می‌شود. علاوه بر این، باعث پدید آمدن بیماری‌های روحی و روانی و همچنین ترس، اضطراب و دلهره در اعضای خانواده می‌گردد. قربانیان اصلی این دسته از خانواده‌ها، اکثر اوقات نوجوانان بی‌گناه هستند.

مردود شدن: به‌طور معمول ۲ علت دارد:

(۱) ضعیف بودن در پایه تحصیلی

(۲) افت ناگهانی تحصیلی که باعث می‌شود کودک به مرور زمان از مدرسه گریزان شود.

بی‌علاقه بودن به درس و تحصیل: از جمله مسائلی است که سبب فرار کردن از مدرسه می‌شود و چون نسبت به آینده تحصیلی خود ناامید است به این نتیجه می‌رسد که رفتن به مدرسه برایش فایده ندارد. از این دسته از نوجوانان به‌طور معمول در خانواده‌های از هم گسیخته و متزلزل بیشتر به چشم می‌خورد.

ترس از تنبیه بدنی: باعث می‌شود نوجوان همیشه اضطراب درونی نسبت به مدرسه داشته باشد و آماده فرار از مدرسه باشد. بی‌توجهی والدین: نسبت به نوجوان و عدم اهمیت آن‌ها به تحصیل و تربیت فرزندشان مقدمات فرار از مدرسه را تشکیل می‌دهد.

عدم رفاه مالی نوجوان و خانواده: باعث می‌شود که نوجوان خود را در برابر بقیه ضعیف‌تر پنداشته از همکلاسی‌های خود دوری جسته و باعث شود که از مدرسه فرار کند.

عدم توجه معلم به شاگرد و تبعیض قائل شدن: باعث می‌شود دیدگاه‌های منفی فکری در ذهنش ایجاد شده و مدرسه را دوست نداشته باشد.

عقب‌ماندگی ذهنی: به تعدادی از نوجوانان که در یادگیری مطالب درسی و مهارت‌های شغلی از دانش‌آموزان دیگر کندتر هستند، عقب‌مانده خوانده می‌شوند. این نوع دانش‌آموزان با توجه به این که چه اندازه در یادگیری مطالب درسی مهارت‌های شغلی و سازگاری اجتماعی از دوستان خود عقب‌مانده باشند، به طبقات مختلفی تقسیم می‌شوند. این دانش‌آموزان نیاز دارند که موارد درسی متفاوت (از دانش‌آموزان عادی) جهت حداکثر رشدشان در نظر گرفته شود. نوجوان عقب‌مانده با این که از لحاظ هوشی عقب‌مانده است، ولی به اندازه‌ای استعداد دارد که بتواند امور و نیازهای روزمره خود را بدون نظارت بی‌مورد دیگران اداره کند.

۲-۱-۲- پیشنهاد‌های در جهت رفع مشکل فرار از مدرسه

- ✓ تهیه و تنظیم کارنامه محرمانه برای هر یک از دانش‌آموزان به منظور آگاه شدن آموزگاران از وضعیت جسمانی و روانی آن‌ها توسط مدیر مدرسه.
- ✓ آشنا شدن معلمان با خانواده‌های شاگردان جهت کمک به حل مشکلات آنان و آگاه شدن از شرایط حاکم بر فضای منزل.
- ✓ برانگیختن انگیزه دانش‌آموزان برای روی آوردن به درس و مدرسه و مطالعات جانبی دیگر.
- ✓ پرهیز از به کارگیری هرگونه تنبیه بدنی.
- ✓ توجیه دانش‌آموزان به این مسئله که مدرسه خانه دوم شماسست (در جلسات عمومی که بین مدیر و معلمان یا دانش‌آموزان برگزار می‌شود).

- ✓ کمک به دانش‌آموزان محروم و مستضعف: لازم است مربیان و مسئولان مدرسه که از توانایی مالی خوبی برخوردار هستند، این‌گونه دانش‌آموزان را تحت حمایت خویش قرار دهند. به‌خصوص زمانی که کودک علاقه‌مند به تحصیل است و خانواده وی به علت مساعد نبودن وضعیت مالی قادر به تأمین احتیاجات فرزندشان نیستند.
- ✓ شناسایی به‌موقع کودکان عقب‌مانده ذهنی و معرفی سریع آن‌ها به مدارس یا مراکز مخصوص تعلیم و تربیت این دسته از دانش‌آموزان.
- ✓ تبدیل مدارس و مراکز آموزشی به اماکن علمی- فرهنگی و ترتیب دادن اردوهای مختلف تفریحی جهت بازدید از زیارتگاه‌ها، موزه‌ها، آثار باستانی، تاریخی و سایر مکان‌های دینی دیگر.
- ✓ ایجاد رابطه عاطفی و دوستانه به صورت مداوم از سوی کادر مدرسه با چنین دانش‌آموزانی. (شکاری، روزنامه کیهان).

۲-۳- اختلال لجبازی و نافرمانی

یکی از مواردی که والدین و مربیان مدارس با آن روبرو هستند، لجبازی و نافرمانی دانش‌آموزان است که باعث عدم آرامش در دو طرف می‌شود و چه‌بسا خطراتی که برای کودکان در آینده به همراه داشته باشد. توجه به این امر می‌تواند از بسیاری از مشکلات در آینده پیشگیری کند. این اختلال در کودکان و نوجوانان به صورت لجبازی مستمر با اطرافیان چه در مدرسه و در منزل دیده می‌شود. مرتب با بزرگ‌ترها یا افراد کوچک‌تر جروبحث کرده و در صورت روبرو شدن با مخالفتی از کوره در می‌رود و شروع به ناسزاگویی می‌کند. بسیار زود رنج بوده و از اطرافیان توقع بیش از حد دارد. همیشه در رفتارهای نامناسب خود دیگران را مقصر می‌داند. بیشتر اوقات تنها هستند و ایجاد ارتباط اجتماعی نمی‌کنند یا اطرافیان آن‌ها را به علت رفتار نامناسب طرد می‌کنند. دارای خلق افسرده و مضطرب می‌باشند (فرقانی رئیس، ۱۳۷۲: ۹۹).

۲-۳-۱- علت‌های لجبازی

الف) علل خانوادگی:

وجود اختلالات لجبازی در افراد خانواده، منجر به یادگیری فرد می‌شود. خانواده‌ای که رفتارهای فرزند خود را شدیداً کنترل می‌کند و معیار هویت افراد را قدرت می‌داند، کودک به خاطر ایجاد هویت برای خود، لجبازی می‌نماید تا بدین وسیله اعلام وجود و قدرت‌نمایی کند. بعضی از خانواده‌ها بین فرزندان خود، خواسته یا ناخواسته تبعیض قائل می‌شوند. البته این مسئله در محیط‌های کاری و شغلی و کلاس‌های آموزشی نیز دیده می‌شود؛ در نتیجه افرادی که زمینه مناسب دارند، تحت تأثیر رفتار والدین، مدیران و معلمان اقدام به لجبازی می‌کنند.

ب) علل اجتماعی:

وجود مدیران ناکارآمد در پست‌های تصمیم‌گیری محیط‌های کاری. عدم تناسب قوانین وضع شده با ارزش‌های حاکم بر جامعه و یا اعتقادات مذهبی مردم. ملاحظه انواع مختلف بی‌عدالتی‌ها در توزیع قدرت و ثروت و ... حق‌کشی‌ها و تبعیض‌هایی که در محل آموزش یا کار اعمال می‌شود. ج) علل روانی و فردی:

برخی از افراد استعداد ذاتی برای اظهار وجود و قدرت‌نمایی و جلب توجه از طریق لجبازی دارند. دست یافتن به خواسته‌ها در هنگام بروز لجبازی و رفتار لجبازانه، باعث تقویت این رفتار خواهد شد. یعنی فردی که از طریق لجبازی به هدف‌ها و خواسته‌های خود می‌رسد در آینده هم از این ابزار استفاده می‌کند. تقویت شدن این رفتار به‌وسیله تسلیم شدن والدین در مقابل این‌گونه رفتارها نیز عامل دیگری است که فرزندان را که احساسات درک نشده و هیجانات فهمیده نشده از سوی والدین دارند به سمت لجبازی سوق دهد.

۲-۳-۲- روش‌های مقابله با لجبازی

علت‌یابی:

- یکی از اساسی‌ترین روش‌ها، تلاش برای یافتن علت لجبازی، تسلیم نشدن در مقابل رفتارهای لجبازانه و دقت در عدم تقویت این قبیل رفتارها در وجود کسی است که گرفتار این اختلال است.
- ✓ تقویت رفتارهای غیر لجبازانه: روش دیگر مقابله، تقویت رفتارهایی است که از کارکنان، شاگردان و فرزندان سر میزند و از آن‌ها بوی لجبازی استشمام نمی‌شود.
- ✓ خودداری از بحث کردن: به محض احساس لجبازی با کنار کشیدن، مثلاً به بهانه‌ای به اتاق دیگر رفتن هنگام بحث و یا تغییر دادن موضوع بحث.

- ✓ خودداری از چترهای حمایتی: یعنی احتراز از حمایت کودک به وسیله یکی از والدین، هنگامی که با دیگری لجبازی می‌کند؛ و یا خود دانش‌آموز که به‌طور غیرمنطقی و با قصد به کرسی نشاندن حرف خود با همکلاسی‌اش بحث می‌کند.
- ✓ پرهیز از قضاوت عجولانه: اگر در وجود خود چنین رفتاری را احساس می‌کنید بهتر است آستانه تحمل خود را نسبت به سخن دیگران افزایش دهید و خود را متعهد کنید که بدون سند و بر اساس شنیده‌ها و یا پندارهای شخصی خود درباره موضوعی و یا کسی قضاوت و ارزشیابی نکنید.
- ✓ استفاده از تکنیک مذاکره: بعضی از افراد در تصور و ضمیر خود نسبت به عمل و رفتار خویش دلایلی دارند که آنان را وادار به انجام عملی می‌کند. لذا اگر در رفتار کسی عمل لجبازی ملاحظه گردید، بهتر است درباره دلایل و یا مشکلاتش با او صحبت کنید.
- ✓ خود داری از امر و نهی و اظهار بیش از حد و تکراری موجب ایجاد لجبازی می‌شود.
- ✓ پرهیز از حساسیت افراطی: حساسیت‌های بدون ذکر دلیل درباره رفتار، پوشش، نوع آرایش و حتی پذیرش یا عدم پذیرش عقیده‌ای باعث می‌شود تا شخص دست به لجبازی بزند. بنابراین سعی کنید نسبت به موضوع و یا مسئله خیلی متمرکز نشوید و اگر قصد ارشاد و راهنمایی دارید، با فاصله‌های زمانی آن را انجام دهید.

۲-۴- رفتارهای نامناسب یا ناپخته

رفتارهای ناخواسته و یا ناپخته از سوی دانش‌آموزان، از جمله مشکلاتی است که اکثر معلمان و همین‌طور مدیران مدارس را به ستوه آورده است. این‌گونه دانش‌آموزان با رفتار خود، نظم و انضباط مدرسه و کلاس درس را دچار اختلال می‌کنند. معلمان و مدیران مدارس، هر کدام نسبت به این‌گونه دانش‌آموزان، واکنش‌های متفاوتی در مقابل آن‌ها از خود نشان می‌دهند و همچنین تصمیم‌گیری‌های مختلفی نسبت به آن‌ها انجام می‌دهند. معمول‌ترین و آشکارترین این تصمیم‌گیری‌ها برای کاهش یا از بین رفتن رفتار ناپخته دانش‌آموزان، گرفتن تعهد کتبی از دانش‌آموزان و صحبت با والدین آن‌ها است. از این رو در این بخش از تحقیق، به شناسایی علل و عوامل بروز رفتارهای نامطلوب از سوی دانش‌آموزان و ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری یا کاهش بروز چنین رفتارهای پرداخته می‌شود.

۲-۴-۱- علل و عوامل رفتارهای نامناسب یا ناپخته

به‌طور کلی بی‌نظمی و رفتارهای نامناسب دانش‌آموزان در مدرسه و کلاس، ناشی از مجموعه از قوانین و مقرراتی است که از سوی مدارس در رابطه با نظم و انضباط دانش‌آموزان گرفته می‌شود. گاهی این قوانین ایراداتی به دنبال دارند و آن این است که چنین قوانینی به تحرک و نشاط دانش‌آموز توجه نداشته و خیلی سفت‌وسخت وضع می‌شوند. در نتیجه این قوانین برای دانش‌آموز ناخوشایند آمده و در برابر رعایت آن‌ها از خود مقاومت نشان می‌دهد که در این بخش، برخی از این علل و عوامل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) گاهی علل بی‌نظمی در کلاس ناشی از خود دانش‌آموز است. برخی از این علت‌ها عبارت‌اند از:

- ۱) ناراحتی‌های جسمی، روحی و روانی: گاهی اوقات خستگی و عدم تنوع برنامه و ضعف جسمانی دانش‌آموز موجب کسالت و خستگی وی می‌شود و به بد رفتاری و عدم رعایت قوانین مدرسه از سوی دانش‌آموز منجر می‌شود.
- ۲) نداشتن علاقه و انگیزه

۳) سر در گم بودن و بی‌اعتنایی به انتظارات معلم و قوانین و مقررات مدرسه و کلاس درس

۴) نداشتن برنامه مشخص برای مطالعه

۵) کم‌خوابی و خستگی مفرط

۶) تغذیه نامناسب

۷) استقلال‌طلبی و مقابله با اقتدار معلم

ب) گاهی نیز علت بی‌توجهی دانش‌آموز به کلاس و درس و مدرسه و میل وی به ایجاد بی‌نظمی در کلاس به معلم باز می‌گردد. علت و عواملی که موجب بروز چنین مسئله‌ای می‌شوند، از این قرارند:

۱) فقدان آمادگی جسمی، روحی و روانی معلم

۲) نامناسب بودن وضعیت ظاهری معلم

۳) ناآگاهی از روش‌های جدید تدریس و استفاده مکرر از روش‌های سنتی

۴) بی‌علاقه بودن به شغل معلمی

۵) ناتوانی در برقراری ارتباط مطلوب با دانش‌آموزان

۶) رعایت نکردن عدالت آموزشی (تبعیض بین دانش‌آموزان)

۷) نامناسب و نارسا بودن صدای معلم

۸) نداشتن طرح درس

۹) بی‌توجهی به نیازهای دانش‌آموزان

۱۰) فعال بودن معلم و منفعل بودن دانش‌آموزان

۱۱) استفاده نامناسب از تشویق و تنبیه

۱۲) بی‌حوصلگی و نداشتن صبر و بردباری و سعه صدر

۱۳) بی‌نظمی معلم (نظیر دیر آمدن به کلاس و ترک زود هنگام آن و ...)

۱۴) تسلط نداشتن به موضوع مورد یادگیری

۱۵) نداشتن روحیه انتقادپذیری و خودداری از پاسخگویی به سؤال‌های دانش‌آموزان (وبسایت راسخون، ۱۳۹۱: بی‌نظمی

دانش‌آموزان در کلاس درس).

۲-۴-۲- ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری یا کاهش بروز رفتارهای ناخواسته و یا ناپخته از سوی

دانش‌آموزان

برخی از راه‌های از بین یا کاهش رفتارهای ناپخته از سوی دانش‌آموزان را می‌توان چنین بیان کرد:

ابتدا باید میان خانه و مدرسه هماهنگی وجود داشته باشد (صفوی، ۱۳۸۳)؛ بنابراین در نظام آموزش و پرورش برای برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه، نهاد مستقلی به نام انجمن اولیا و مربیان به وجود آمده است که این نهاد در هر مدرسه‌ای برای آگاهی والدین از مراحل رشد فرزندان خود در سنین متفاوت و آگاه کردن آن‌ها از این مسائل فعالیت می‌کند.

دوم معلمان باید آمادگی تغییر رفتارهای به‌عنوان واکنشی نسبت به حقایق آشکار شده توسط مشاهده را داشته باشند (فونتانا، ۱۹۸۷). همچنین شرایط فیزیکی کلاس و روابط بین کارکنان و دانش‌آموزان بهتر شود؛ و در آخر والدین باید فرزندان خود را به انضباط تشویق کرده و وظایفشان را در قبال فرزندان خود به خوبی اجرا کنند (صفوی، ۱۳۸۳). از جمله این وظایف می‌توان به مواردی چون توجه به وضعیت جسمی و روحی فرزندان، ایجاد شرایط، موقعیت و امکانات مورد نیاز برای پیشرفت تحصیلی فرزندان، تشویق مادی و معنوی و تقویت اعتماد به نفس آن‌ها، تبعیض قائل نشدن بین فرزندان خود، در نظر گرفتن اتاق مطالعه، وسایل مورد نیاز و رعایت سکوت هنگام مطالعه فرزندان، کمک به فرزندان در اجرای برنامه مطالعه، تشویق آن‌ها به ورزش و تفریحات سالم و تنظیم خواب و استراحت آن‌ها، داشتن برنامه تغذیه مناسب و آگاه کردن فرزندان از وظایف خود در مدرسه و خانه، رعایت حقوق معلمان و کمک به دوستان و همکلاسان.

۲-۵- بیش‌فعالی همراه با کمبود توجه

یکی از اختلال‌های رفتاری در دانش‌آموزان، اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی (ADHD) است که در میان کودکان مدرسه‌ای از شیوع بالایی برخوردار است. این اختلال با اسامی متفاوتی چون بد کارکرد جزئی مغز، آسیب خفیف مغزی، کنش بیش‌فعالی دوران کودکی و نشانگان بیش‌فعال معرفی شده است اما در آخرین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی این اختلال را نارسایی توجه-بیش‌فعالی نام‌گذاری کرده‌اند (کرم شائی، عابدی و یارمحمدیان، ۱۳۹۳). این اختلال با نشانه‌های آشکاری چون تحرک بیش از حد نسبت به همسالان، انجام اعمال بدون توجه و تمرکز کافی و به اصطلاح سر به هوا بودن، توانایی نداشتن در به پایان رساندن یک کار و مدام از یک شاخه به شاخه دیگر پریدن و غیره قابل تشخیص است که باعث می‌شود این کودکان در مدرسه به‌عنوان کودکان حواس‌پرت و شلوغ با ارتباط اجتماعی پایین شناخته شوند (برزگر بفرویی و فرزاد، ۱۳۹۴: ۵۴).

به‌طور کلی نشانه‌های اساسی این اختلال عبارت است از بی‌توجهی، تکانشگری و بیش‌فعالی که از نظر میزان رشد نامناسب هستند. از علائم بی‌توجهی می‌توان به حواس‌پرتی بر اثر محرک‌های خارجی، عدم توجه کافی به جزئیات درسی، فراموش کاری، به صحبت‌های دیگران گوش نمی‌دهد، در انجام تکالیف بی‌میل است، لوازم‌التحریر خود را گم می‌کند، در حفظ توجه بر روی تکالیف یا فعالیت‌ها با مشکل روبرو است؛ از نشانه‌های بیش‌فعالی نیز می‌توان مرتب دست و پاهایش را تکان می‌دهد، آرام و قرار ندارد، مرتب در حال حرکت و جنب‌وجوش است و علائم تکانشگری را نیز می‌توان تحمل منتظر ماندن را ندارد، حرف دیگران را قطع می‌کند، جواب سؤال را زودتر از اتمام می‌دهد و نمی‌تواند در نوبت بماند، اشاره کرد.

برای مقابله با چنین اختلالی، نهادهای بهداشت عمومی و آموزش و پرورش موظف هستند، ضمن تهیه کارت سلامت برای هر دانش‌آموز قبل از ورود کودک به مدرسه و تشخیص میزان سلامت یا نوع اختلال کودک، معلم را از وضعیت کودک مطلع کنند و با آشنا کردن کامل معلمان با ویژگی‌های این اختلال و آموزش چگونگی رفتار با کودکان مبتلا، معلمان را به‌عنوان رفتار درمانگرانی برای کمک به بهبود این کودکان تربیت کنند. معلمان نیز در راستای تحقق این هدف می‌توانند از طریق برقراری ارتباط مستقیم با کودک نوع نگرش او را نسبت به رفتارهایش تغییر داده و با ارائه راهکارهای درمانی شناختی-رفتاری، کودک را در کنترل و تسلط

بر رفتارهای یاری دهند تا از این راه کودک اعتماد به نفس خود را به دست آورده و بتواند ارتباط اجتماعی بهتری نسبت به قبل برقرار کند و به‌طور خلاصه در انجام اعمال و کارها با ثبات‌تر و موفق‌تر عمل کند (برزگر بفرویی و فرزاد، ۱۳۹۴: ۵۴).

۲-۶- اضطراب

اضطراب در مدرسه از جمله مشکلاتی است که کودک یا فرزند هنگامی که از خانه به مدرسه می‌رود دچار آن می‌شود. اضطراب از نظر روان‌پزشکی یعنی ناآرامی، هراس و ترس ناخوشایند یا احساس خطر قریب‌الوقوع که منبع آن قابل شناختن نیست. به‌طور کلی اضطراب یک احساس منتشر، بسیار ناخوشایند و اغلب مبهم دلوایی است که با یک یا چند حس جسمی مانند احساس خالی شدن سر دل، تنگی قفسه‌ی سینه، تپش قلب، تعرق، سردرد و ... همراه است. شناخت اضطراب و ریشه‌های آن در طول زندگی می‌تواند در کنترل کردن و مدیریت آن بسیار مؤثر باشد. در این بخش به بررسی کامل این موضوع پرداخته‌ایم.

۲-۶-۱- مؤلفه‌های اضطراب مدرسه

اضطراب مدرسه از چهار مؤلفه تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از: اضطراب امتحان، ترس از ابراز وجود، واکنش‌های فیزیولوژیک و فقدان اعتماد به نفس. اضطراب امتحان پدیده شایعی است که اغلب دانش‌آموزان در دوران تحصیل خود آن را تجربه کرده‌اند. این اضطراب در هنگام مواجهه با یک موقعیت ارزشیابی بروز می‌کند که یکی از پیامدهای آن می‌تواند ضعف عملکرد در موقعیت مورد نظر باشد (بهمن و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴). ساراسون ۱ اضطراب امتحان را نوعی از خود اشتغالی ذهن می‌داند که مشخصه آن ضعف عزت نفس است. نتیجه این نگرش، فقدان تمرکز، واکنش‌های فیزیولوژیک نامطلوب و عملکرد ضعیف در آزمون است (Ghorban Dordi Nejad, et al, 2011). دانش‌آموزانی که اضطراب امتحان بالایی دارند، تنها با دیدن چند سؤال اول در مورد کل آزمون به قضاوت می‌پردازند؛ اما دانش‌آموزانی که هراسی از امتحان ندارند یا اضطراب آن‌ها پایین است، این قضاوت را به انتهای آزمون موکول می‌کنند (Schutz & Davis, 2000). عوامل متعددی می‌تواند با اضطراب امتحان ارتباط داشته باشد که از جمله آن‌ها سن، جنس، فضا و محیط تحصیل دانش‌آموز است (بهمن و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴).

مؤلفه بعدی اضطراب مدرسه، ابراز وجود است. ابراز وجود به فرد احساس خودکارآمدی و کنترل درونی می‌دهد و این حس، اعتماد به نفس و عزت نفس فرد را در روابط متقابل با دیگران تقویت می‌کند (صاحب زمانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۸). کودکی که دارای عزت نفس است، از توانایی خود آگاه است و با بهره‌گیری از استعداد خود به موفقیت تحصیلی می‌رسد؛ اما دانش‌آموزی که از اعتماد به نفس پایینی برخوردار است، خود را در انجام اغلب تکالیف ناتوان می‌بیند. فاین ۲ یکی از عوامل کاهش عزت نفس را شکست در مدرسه می‌پندارد (finn, 1989).

از ابعاد دیگر اضطراب مدرسه، ضعف در مهارت‌های ارتباطی است. مهارت‌های ارتباطی زیر مجموعه‌ای از مهارت‌های اجتماعی به شمار می‌رود که شامل مهارت‌های دریافت، پردازش و پیام‌رسانی هستند. مهارت دریافت به درک و فهم پیام‌ها، مهارت پردازش به تجزیه تحلیل پیام‌ها و یافتن پاسخ مناسب برای آن‌ها و مهارت پیام‌رسانی به ارائه پاسخ و بازخورد اشاره دارد؛ بنابراین هر دانش‌آموز در فرآیند رشد اجتماعی خود و برای شکوفاسازی استعدادهايش و برقراری ارتباط مطلوب با محیط و اطرافیان، باید این مهارت را کسب کند. آموزش این مهارت از خانواده آغاز شده، در مدرسه تکمیل می‌شود (یار علی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹۵). اهمیت این مهارت‌ها به حدی است که فقدان آن می‌تواند به احساس تنهایی، اضطراب، عزت نفس پایین، افسردگی و شکست‌های تحصیلی منجر شود (Spitzberg, 2003). واکنش‌های فیزیولوژیک نیز مؤلفه دیگری از اضطراب تحصیلی است که در موقعیت‌های اضطراب‌آور به سراغ دانش‌آموز می‌آید و به بازتاب‌های نامطلوب بدنی مانند لرزش زانو و تپش قلب اشاره دارد (بهمن و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۵).

۲-۶-۲- راهکارهای مقابله با استرس دانش‌آموزان

- نشانه‌های استرس در مدرسه را پیدا کنید. با دقت کودکان را زیر نظر داشته باشید، رفتارهای او را در ارتباط با مدرسه مدنظر داشته باشید تا بفهمید چه مسئله‌ای در مدرسه باعث ایجاد استرس در او می‌شود؛ سپس ببینید این استرس باعث بروز چه مشکلاتی در او می‌شود. این مشکلات می‌تواند به صورت سردرد، شکم‌درد، طفره رفتن از حرف زدن و یا بی‌میلی به مدرسه رفتن ظاهر شود.
- به دنبال دلایل استرس باشید. اگر کودک شما مضطرب است و استرس دارد، کنار او بنشینید و با او صحبت کنید تا متوجه شوید چه چیزی باعث استرس او شده است. مثلاً ممکن است ریشه این استرس در ارتباط با کلاس خاصی باشد، شاید به

1 sarason

2 finn

خاطر امتحان باشد، احتمال دارد به خاطر عملکرد فرزندان در دروس و نمراتی که گرفته، باشد. در نهایت وقتی که متوجه دلیل استرس او شدید، حال می‌توانید مشکل را حل کنید.

- از زمان‌بندی بیش از حد پرهیز کنید. داشتن یک برنامه منظم و زمان‌بندی شده بسیار ایده خوبی برای نظم بخشیدن به تکالیف دانش‌آموز و متمرکز کردن او به تکلیفش است، اما زمان‌بندی بیش از حد و غیرمعتارف، خود می‌تواند عاملی برای ایجاد اضطراب و دل‌شوره در دانش‌آموز شود. در میان زمان‌های اختصاص یافته برای کلاس‌های مدرسه، انجام تکالیف و کلاس‌های فوق برنامه، زمانی را برای هر آنچه که فرزند شما علاقه‌مند به انجام آن است، در نظر بگیرید. این اوقات فراغت می‌تواند باعث کاهش استرس، داشتن آرامش و نشاط در کودک شود.
- وظایف فرزند خود را اولویت‌بندی کنید. اگر فرزند شما علاوه بر مدرسه کارها و فعالیت‌های زیادی برای انجام دادن دارد، باید کارهای او را به ترتیب اهمیت اولویت‌بندی کنید. به او بگویید مهم‌ترین کارش را در ابتدا انجام دهد. در نظر داشته باشید اگر فعالیت‌های خارج از مدرسه زمان زیادی از او می‌گیرد، با یک برنامه‌ریزی دقیق و منظم کارها را ساماندهی کنید.
- فرزندان را در فعالیت‌های فوق برنامه ثبت‌نام کنید. مطمئن شوید کودک شما زمان کافی برای انجام همه کارهایش دارد، همه دانش‌آموزان به استراحت و فراغت از کارهای مدرسه احتیاج دارند تا از خستگی بیش از حد و دل‌زدگی آن‌ها از مدرسه جلوگیری شود. فرزند خود را در کلاس‌های فوق برنامه مثل کلاس‌های ورزشی، موسیقی و یا هر چیز دیگری که به آن علاقه دارد، ثبت‌نام کنید. این کار تا حد زیادی استرس او را کاهش داده و انگیزه را برای انجام کارها افزایش می‌دهد.
- زمانی را به خانواده و دوستان خود اختصاص دهید. سعی کنید چند ساعت از زمان خود را به وقت‌گذرانی کودک با خانواده و دوستان اختصاص دهید. این گذران وقت می‌تواند مثل هر شب شام خوردن خانواده در کنار هم باشد؛ چراکه این کار می‌تواند فرصتی برای شما فراهم کند تا از او درباره مدرسه و مشکلاتی که دارد، بپرسید.
- پیروی از یک برنامه خواب منظم. این نکته اهمیت فراوانی دارد تا بدانید کودکان در طول شبانه‌روز به میزان کافی می‌خوابد. عدم خواب کافی می‌تواند یکی از دلایل بروز استرس در دانش‌آموزان شود. پیروی از یک برنامه خواب منظم می‌تواند به مدیریت استرس او بسیار کمک کند. کودک شما باید در روز ۸ الی ۱۰ ساعت بخوابد تا برای روز بعد انرژی کافی داشته باشد.
- چارچوب‌بندی افکار منفی. افکار منفی می‌تواند تأثیر بزرگ و شدیدی روی سطح استرس کودک بگذارد و یک روند پر از استرس و افکار منفی را ایجاد کند که متوقف کردن آن بسیار سخت خواهد بود. به جای اینکه فکر کنید یک پروژه یا یک وظیفه چقدر استرس‌زا است، به کودکان کمک کنید که چگونه می‌تواند شرایطی را که در آن قرار دارد تعدیل کند و استرس ناشی از آن را کاهش دهد. این کار می‌تواند به صورت تقسیم‌بندی وظیفه به کارهای کوچک‌تر یا برنامه‌ریزی برای آن کار باشد.

۲-۷- بی‌نظمی در سلوک

اختلال بی‌نظمی در سلوک از جمله مشکلاتی است که خانواده‌ها، مدارس و جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. بر اساس تعریف تجدید نظر شده در چهارمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی این اختلال مربوط به دوران کودکی و نوجوانی می‌باشد. علامت اساسی اختلال سلوک الگوی تکراری و پیوسته رفتاری است که در آن حقوق اساسی دیگران، هنجارها یا موازین اساسی اجتماعی متناسب با سن فرد نقض می‌شوند (بوسفی، عرفانی، خیرآبادی و قانعی، ۱۳۷۹: ۴۹). کودکان و نوجوانان دارای اختلال سلوک بیشتر خود را از راه کردار نشان می‌دهند تا از راه بیان. آنان ترجیح می‌دهند از زبان برای برقراری ارتباط یا بیان احساسات بهره‌گیرند (کرنبرگ و کازان، ۱۹۹۱). در مجموع سطح عملکرد این افراد پایین بوده و اغلب بسیار زودتر از همسالان خود مدرسه را ترک می‌کنند (بیج من، جان استون و اومالی، ۱۹۷۸ به نقل از احمدی، ۱۳۷۹).

به‌طور کلی مشکلات سلوک به آن دسته از رفتارهای ضد اجتماعی اشاره دارد که نشان می‌دهد فرد در انطباق با انتظارات اشخاص صاحب قدرت در زندگی (مثل والدین یا معلم) و یا هنجارهای اجتماعی یا احترام به حقوق دیگران ناتوان است. این رفتارها می‌تواند کشمکش‌های خفیف با منابع قدرت (مثلاً تقابل، عدم اطاعت، نافرمانی، بحث و مجادله) انحراف عمده از هنجارهای اجتماعی (مثلاً فرار از مدرسه، فرار از مدرسه) تا دست‌اندازی جدی به حقوق دیگران (مثلاً تهاجم، تجاوز جنسی، تخریب، آتش‌افروزی و دزدی) را در برگیرد. گرچه این تعریف شامل طیفی از رفتارهای گوناگون است اما رفتارهای مزبور تا حد زیادی به هم ارتباط دارند (فریک، ۱۹۹۳).

اختلال سلوک، الگوی رفتاری مداوم و مزمنی است که در آن حقوق اساسی دیگران و یا هنجارهای اجتماعی و اصول عمده متناسب با سن زیر پا گذاشته می‌شود (سادوک و کاپلان، ۱۳۷۰)؛ به عبارت دیگر اختلالات سلوکی به دسته‌ای از واکنش‌های سازگاری و سلوک اطلاق می‌شود که ممکن است به صورت آشنفگی‌های رفتار اجتماعی از قبیل جیب‌بری، کیف ربایی، دزدی، خلافکاری‌های جنسی و پرخاشگری ظاهر شوند. این اصطلاح برای توصیف رفتار کودکان و نوجوانانی به کار می‌رود که شرارت‌ها

و شیفت‌های آنان بسیار فرارتر از همسالانشان است و به‌طور جدی به حقوق دیگران، قوانین جامعه و هنجارهای اجتماعی آسیب می‌رسانند (آزاد، ۱۳۷۹).

مداخلات اولیه پیشگیرانه مستمر در صورتی که در سنین کودکی شروع شوند می‌توانند به میزان چشمگیری سیر و پیش‌آگهی رفتار پرخاشگری را اگر مداخلات درمانی از سنین پایین شروع شود می‌تواند به میزان بالایی در بهبود کودک مبتلا نقش داشته باشد. درمان شناختی-رفتاری که نوعی از روان‌درمانی است می‌تواند باعث کاهش میزان زیادی از علائم شود. خصوصاً این درمان در کاهش علائم واضح این اختلال مثل دزدی و دروغ‌گویی موفق‌تر است. برنامه‌های (parent management training) PMT که اغلب در غالب گروهی ارائه می‌شوند، کارایی خود را در پیش‌گیری و کاهش مشکلات رفتاری کودکان نشان داده‌اند. یکی از مزیت‌های این نوع درمان گروهی در این است که معاشرت و تعامل خانواده‌هایی که فرزند مبتلا به اختلال را دارند باعث می‌شود ننگ داشتن "فرزند مشکل" کاهش یابد و خانواده‌ها از حمایت اجماعی برخوردار شوند. نوع دیگری از برنامه درمانی به نام PCIT (parent-child interaction therapy) وجود دارد که از PMT مشتق شده است و در آن درمان با خانواده‌های منفرد انجام می‌شود و مشکلات کودک طی چند ماه گذشته بررسی می‌شود. در زمینه اثربخشی مداخلات دارویی، اعتقاد بر این است که ریسپریدون، هالوپریدول و داروهای SSRI می‌توانند در کاهش نشانه‌ها مؤثر باشند (رضاعی، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش اصلی‌ترین و مهم‌ترین عنصر محسوب می‌شوند. تمامی تمهیدات و پیش‌بینی‌ها در جریان برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تدارکات در این سیستم در نهایت به دانش‌آموزان منتهی می‌شود؛ زیرا آماده‌سازی و ایجاد صلاحیت‌های لازم در آن‌ها برای ورود به اجتماعی که خود سازنده‌ی آن خواهند بود هدف نهایی آموزش و پرورش است. بی‌گمان، در این روند، هر قدر به مسائل مربوط به دانش‌آموزان بیشتر توجه شود و مورد رسیدگی قرار گیرد ساختار آتی اجتماع از استحکام و استواری بیشتری برخوردار خواهد بود.

صرف نظر از این که مشکلات رفتاری و فعالیت‌های ضد اجتماعی کودکان و نوجوانان در جامعه‌ی ما هر روز بیش‌تر شود یا آمار آن بدون تغییر باقی بماند، باید برای از بین بردن شرایط و موقعیت‌های سبب‌ساز آن چاره‌ای اندیشید. از آنجا که این رفتارها ریشه در دوران کودکی دارند و عوامل متعددی در شکل‌گیری آن‌ها نقش دارند، انجام اقدامات پیشگیرانه در سطوح مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است در این زمینه راهکارهایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. با توجه به آنکه ضعف والدین در سرپرستی فرزندان به‌طور مستقیم با افزایش رفتارهای ضد اجتماعی در کودکان و نوجوانان ارتباط دارد جلسات آموزش خانواده در مدارس به والدین کمک می‌کند تا با شیوه‌های صحیح فرزند پروری آشنا شوند. فرزند پروری به سبک مقتدرانه، روشی منطقی و دموکراتیک است که در آن حقوق والدین و کودک محترم شمرده می‌شود. والدین می‌توانند در عین حال که با فرزندان خود صمیمی و مهربان هستند و بردبارانه به نظرات آن‌ها گوش می‌دهند، درخواست‌های معقول خود، قوانین و محدودیت‌های خانواده را مطرح کنند و بر آنچه که کودکان و نوجوانان باید انجام دهند اصرار ورزند. بدون آنکه در این راه از تنبیه‌های سخت و یا انضباط خشک و بی‌ثبات استفاده کنند. فرزندان والدین مقتدر بسیار خوب پرورش می‌یابند، اعتماد به نفس دارند، روابط سالم و سازنده‌ای با دیگران برقرار می‌کنند و مهارت‌های لازم را برای مواجهه با تجربه‌های جدید کسب کرده‌اند.

۲. والدین کودکان بدر رفتار اغلب به دلیل سابقه‌ی زندگی خود یاد نگرفته‌اند که به دیگران اعتماد کنند. آن‌ها برای برقرار کردن روابط مثبت و حفظ دوستان و خویشان مهارت‌های لازم را ندارند. در عین حال در آمد کم، فقر و مشکلات زناشویی و آشفتگی‌های شدید در خانواده‌هایشان، استرس‌های زیادی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند. مسئولان مدارس می‌توانند با شناسایی این افراد و معرفی آن‌ها به مراکز خدمات حمایتی بهزیستی و سایر نهادها به آن‌ها در برخورداری از حمایت‌های اجتماعی کمک کنند. علاوه بر این، تشویق والدین به مراجعه به مراکز مشاوره موجب می‌شود توانمندی‌های آن‌ها برای مقابله با استرس‌ها و مشکلات زندگی ارتقا یافته و با آگاهی و اطمینان بیش‌تری زندگی خود را مدیریت کنند.

۳. برقراری ارتباط صمیمانه و سازنده با کودکان و نوجوانان بدر رفتار، فضای مناسبی را برای آن‌ها فراهم می‌سازد تا درباره‌ی نگرانی‌ها، استرس‌ها و مشکلاتشان با فردی مطمئن و امین گفت‌وگو کنند، طعم محبت و رفتار محبت‌آمیز را بچشند و دریابند که در هنگام بروز مشکلات همه‌ی درها به روی آن‌ها بسته نیست و می‌توانند از حمایت‌های عاطفی و معنوی دیگران به‌ویژه معلمان و مربیان برخوردار شوند. وجود این رابطه به‌تدریج احساس بی‌پناهی، بی‌اعتمادی نسبت به دیگران و اضطراب را در آن‌ها کاهش می‌دهد.

۴. در زندگی خانوادگی کودکان و نوجوانان بدر رفتار، پرخاشگری به‌عنوان یک راه حل مناسب برای غلبه بر بسیاری از مشکلات شناخته شده است. در حالی که معلمان می‌توانند در موقعیت‌های رسمی و غیر رسمی به آن‌ها بیاموزند که شیوه‌های مؤثرتری برای برقراری ارتباط با دیگران وجود دارد و رفتارهای صحیح اجتماعی و همدلی و همدردی با دیگران، به مراتب سازنده‌تر و سودمندتر از رفتارهای پرخاشگرانه است.

۵. با غنی کردن فعالیت‌های پرورشی، ورزشی، تدارک اردوهای مختلف و برنامه‌های اوقات فراغت در مدارس، نه تنها به نیازهای رشدی دانش‌آموزان توجه می‌شود بلکه میل به ماندن در مدرسه برای همه‌ی کودکان به ویژه دانش‌آموزان بدرفتار افزایش پیدا می‌کند. بدیهی است با لذت بردن کودکان و نوجوانان از فضای مدرسه و احساس محبت نسبت به معلمان و مربیان، بستر مناسب برای اثر بخشی آموزش‌ها و شیوه‌های اصلاح رفتار بیش از پیش فراهم می‌شود.

۶. با توجه به نقش گروه همسالان منحرف در افزایش رفتارهای ضد اجتماعی در کودکان و نوجوانان، پیشنهاد می‌شود معلمان و مربیان با تشکیل گروه‌های ورزشی، هنری، ... و نظارت بر نحوه‌ی انتخاب و عضویت افراد در گروه‌ها، فرصت‌های لازم را برای یادگیری رفتارهای مثبت در این کودکان فراهم کنند. ضمن آنکه می‌توان با مداخله در نوع ارتباط‌های افراد منحرف، فرصت‌های تعامل آن‌ها را با سایر کودکان و نوجوانان محدودتر نمود.

۷. آموزش خود آموزی: هر فردی صحبت کردن و یا گفت‌وگو با خود را امری قابل قبول و منطقی می‌داند برای مثال، کودکی که به شدت از ارزیابی اجتماعی بیزار است ممکن است تصور کند که (اگر من اشتباهی مرتکب شدم، معلم و بچه‌ها مسخره‌ام می‌کنند). این گفت‌وگو با خود اساس عملکردهای شناختی نظیر، خود آموزی، کنترل خود، ارزیابی خویش و تقویت خود را تشکیل می‌دهد. خودآموزی عبارت است از: تغییر و تبدیل نحوه‌ی سخن گفتن با خود که برای ایجاد کنترل بر خویش به نوجوانان پرخاشگر آموزش داده می‌شود.

۸. آموزش کنترل خشم: هدف از انجام این کارها کم کردن احتمال رفتارهای پرخاشگرانه از طریق افزایش آگاهی نسبت به علائم برانگیختگی اولیه‌ی خصمانه و فنونی برای ترغیب کنترل بر خود است. یک رفتار پرخاشگرانه‌ی اجتماعی ممکن است تحت تأثیر حوادث شناختی قبلی نظیر احساس تنفر (مثل به یادآوری یک کینه‌ی قدیمی) ناآگاهی از پیامدهای احتمالی اعمال پرخاشگرانه و یا ناتوانی روانی در حل مسائل تحت تأثیر قرار گیرد.

۹. آموزش رفتارهای خود گردانی: روش مذکور بر این منطبق استوار است که رفتار خرابکارانه‌ی این نوجوانان، محصول تجارب آموزشی اندک آنان است. محیط گذشته‌ی نوجوانانی که رفتار مختل شده دارند قادر نبوده که آموزش‌ها، نمونه‌ها و پس‌خوراندهای لازم برای ایجاد رفتارهای مناسب را در جوانان فراهم آورد.

۱۰. آموزش مهارت حل مسئله: ناکافی بودن قدرت تجزیه و تحلیل راه‌حل‌های مسائل روزمره که در روابط اجتماعی مؤثر است، می‌تواند کارایی روابط بین فردی را در فرد کاهش دهد. افراد مبتلا به اختلال سلوک زمانی که در یک وضعیت ارتباطی مشکل قرار می‌گیرند نمی‌توانند به عملکردهای مختلف فکر کنند، قادر به ارائه‌ی راه‌حل‌های مناسب حتی برای تعارض‌های کوچک نیستند؛ و بیشتر به سمت راه‌حل‌های پرخاشگرانه‌ی ناشایست کشیده می‌شوند (برای مطالعه بیشتر بنگرید به: محمدخانی، ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۲).

منابع

۱. آزاد، حسین (۱۳۷۹)، «اختلالات سلوکی و رویکردهای سبب‌شناسی آن‌ها»، فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سوم، شماره ۲، صص ۶۴-۶۷.
۲. احمدی، علی اصغر (۱۳۷۹)، «اختلال سلوکی و ویژگی‌های بالینی آن»، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال ۵، شماره ۴، صص ۶۲-۶۹.
۳. برزگر بفرویی، کاظم؛ فرزاد، مطهره (۱۳۹۴)، «روش‌های شناسایی و درمان کودکان با اختلال نارسایی توجه-بیش‌فعالی»، مجله تعلیم و تربیت استثنایی، سال ۱۵، شماره ۳، پیاپی ۱۳۱، صص ۴۷-۵۶.
۴. بهمن، بهاره؛ علیرضا کیامتش و خدیجه ابوالمعالی (۱۳۹۲)، «مقایسه اضطراب مدرسه و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان پایه چهارم در دو سیستم ارزشیابی سنتی و توصیفی»، مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال دهم، دوره دوم، شماره ۱۲ (پیاپی ۳۹)، صص ۹۳-۱۰۷.
۵. سادوک، بنجامین جیمز؛ هرولد کاپلان (۱۳۷۰)، خلاصه روانپزشکی: علوم رفتاری-روانپزشکی بالینی، نصرت‌الله پور افکاری، تبریز: نشر ذوقی.
۶. حمزه گنجی، (۱۳۸۷)، روان‌شناسی عمومی، چاپ چهل و چهارم، تهران: ساوالان.
۷. رضایی، فرزین (۱۳۹۹)، خلاصه روان‌پزشکی کاپلان و سادوک، علوم رفتاری، روان‌پزشکی بالینی، ج ۲، تهران: ارجمند.
۸. رضایی شریف، علی؛ محمود قاضی طباطبائی، الهه حجازی، جواد اژه‌ای (۱۳۹۰)، «بررسی دیدگاه دانش‌آموزان درباره‌ی پیوند با مدرسه: یک مطالعه کیفی»، مجله روانشناسی، سال شانزدهم، شماره یکم، صص ۱۶-۳۵.
۹. شکاری، عبدالعظیم، «فرار از مدرسه و راه درمان آن»، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۸۰۶.
۱۰. صاحب زمانی، محمد؛ روح انگیز نوروزی نیا، لیلا آلیلو و علی رشیدی (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر آموزش ابراز وجود بر عزت نفس و قاطعیت دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه»، مجله پزشکی ارومیه، دوره ۲۱، شماره اول، صص ۵۳-۴۸.
۱۱. صفوی، امان‌الله (۱۳۸۳)، روش‌ها و فنون تدریس، تهران: نشر معاصر.
۱۲. فرقانی رئیس، شهلا (۱۳۷۲)، شناخت مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان، معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول.
۱۳. فونتانا، دیوید (۱۹۸۷)، کنترل کلاس، ترجمه ساده حمزه و مجید محمدی، ۱۳۷۵، تهران: رشد.

۱۴. کرم شائی، آ؛ عابدی، ا؛ یارمحمدیان، ا (۱۳۹۳)، «تحول کارکردهای اجرایی در دختران و پسران پیش‌دبستانی و دبستانی (۱۲-۵ سال) مبتلا به اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی شهر اصفهان»، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، دوره ۱۶، شماره اول، صص ۱۱۰-۱۳۵.
۱۵. محمدخانی، شهرام؛ ابراهیم‌زاده، ناهید؛ (۱۳۹۲)، مشکلات روانی و رفتاری دانش‌آموزان شناسایی و مداخله، چاپ دوم، تهران: ویرای دانش.
۱۶. مقدسی، حمیده (۱۳۸۴). «علل فرار کودکان و نوجوانان عادی و استثنایی از خانه و مدرسه»، مجله تعلیم و تربیت کودکان استثنایی، شماره ۴۴، صص ۱-۱۰.
۱۷. میر کمالی، سید محمد (۱۳۷۹)، رهبری و مدیریت آموزشی، چاپ ششم، تهران: یسپرون.
۱۸. وبسایت راسخون (۱۳۹۱)، «بی‌نظمی دانش‌آموزان در کلاس درس». Rasekhoon.net/article/show/211743.
۱۹. یارعلی، جواد؛ علیرضا شواخی و فروغ السادات عربی (۱۳۸۷)، «بررسی مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی (تحلیل محتوا)»، فصلنامه تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، شماره ۹۳، صص ۱۹۱-۲۲۱.
۲۰. یوسفی، فایق؛ عرفانی، نصرالله؛ خیرآبادی، غلامرضا؛ قانع، حسین (۱۳۷۹)، «بررسی شیوع اختلال‌های سلوک و نافرمانی در دانش‌آموزان راهنمایی استان کردستان»، مجله اندیشه و رفتار، سال ۶، شماره ۲ و ۳، صص ۴۸-۵۴.
21. Finn J.D, (1989). Withdrawing from school, Review of Educational Research, 59(1), pp 17-42.
22. Frick. P. J. (1993) childhood conduct. 16 problems in a Family context. School psychology. Review, 22, 376-385.
23. Ghorban DordiNejad F, Hakimi H, Ashouri M, Dehghani M, Zeinali ZH, Sadegh Daghighi M, Bahrami N, (2011). On the relationship between test anxiety and academic performance. Procedia Social and Behavioral Sciences, (15), pp 3774-3778.
24. Kernberg, P.F, & Chazan, S.F. (1991). Children with conduct disorder, New York, Basic Books.
25. Schutz PA & Davis HA, (2000). Emotions and self-regulation during test taking. Educational Psychologist, 35(4), pp 243-256.
26. Spoitzeberg B.H, (2003). Methods of interpersonal skill assessment, in J. O.Greenw & B.R.Burleson (Eds), Handbook of communication and social.interaction skills. Mahwah, NJ: Erlbaum.

Assessing Students' Behavioral Problems in Schools: Components and Providing Coping Solutions

Eftekhargasemzadeh^{1*}, Hosein Abasiyan², Younes Mahmoudi³

Abstract

Behavioral problems in students is a social category that has been extensively studied by sociologists. Behavioral problems in students can lead to learning disabilities for students and serious problems and injuries to families, schools, and the community. The present article aims to identify, study and analyze the factors affecting the behavioral problems of students in schools by the descriptive-analytical method and relying on library resources to address this issue. The results show that achieving the educational goals that schools pay attention to as their main goal requires providing students with mental and behavioral health. Numerous studies show that students' behavioral health is associated with their academic achievement and that students who somehow suffer from behavioral problems or lack proper mental health often experience academic failure; Therefore, it seems necessary to examine the factors that prevent it to provide appropriate conditions to achieve educational goals and ensure the health of people in society at different ages. In this regard, students' behavioral problems in schools, which include phobia, school dropout, obsessive-compulsive disorder, disordered behavior, anxiety, hyperactivity with lack of attention, and inappropriate or immature behaviors, have been studied.

Keywords: Behavioral problems, Behavioral disorders, Students, Components, and solutions to behavioral problems.

¹ Graduate of the History of Culture and Civilization of Islamic Nations - Imam Khomeini International University and teacher of education in Khodaafarin city. (Corresponding Author)

Email: (eftekhargasemzadeh@gmail.com)

² Khodaafarin city education teacher director. Email: (hosein_brahim2@yahoo.com)

³ Secretary of nomadic schools in the nomadic education of Kalibar city.

Email: (younesmahmodi33@gmail.com)